

ضروری است که بوروکراسی و آریستوکراسی نوین را از شوراها بیرون برانیم توضیح سردبیر، انترناسیونال چهارم

مقاله‌ی پیش رو به قلم لئون تروتسکی، در سال ۱۹۳۸ و در پاسخ به اعتراضات ژوزف کارتر به طرح مطالبه‌ی «ضرورت بیرون راندن بوروکراسی و آریستوکراسی از شوراها» در برنامه‌ی بنیان‌گذاری انترناسیونال چهارم، به رشته‌ی تحریر درآمد. تروتسکی از این شعار به عنوان جزء اساسی برنامه‌ی کارگران شوروی برای مبارزه‌ی انقلابی علیه بوروکراسی تمامیت خواه استالینیستی دفاع نمود. ملاحظات وی پیرامون ماهیت و ضرورت انقلاب سیاسی در اتحاد شوروی، امروز به دلیل چالش مفاهیم سنتی تروتسکیستی از سوی رویونیست‌های پابلونیست، از اهمیتی خاص برخوردار است.

در ارتباط با شعاری که ابتدای همین مقاله آمده، ملاحظات انتقادی دریافت کرده‌ام که از اهمیتی عمومی برخوردار است و به همین جهت، پاسخی را نه در نامه‌ی خصوصی که در یک مقاله‌ی می‌طلبید.

پیش از هر چیز اجازه دهید که اعتراضات صورت گرفته را ذکر کنم:

- مطالبه‌ی بیرون راندن بوروکراسی و آریستوکراسی جدید از شوراها، به گفته‌ی مکاتبه‌کننده‌ی من، کشمکش‌های اجتماعی حادی را که در درون بوروکراسی و آریستوکراسی رخ می‌دهند، نادیده می‌گیرد- بخش‌هایی از این دو همان طور که در قسمت

دیگری از همین تیز (پیش نویس برنامه) بیان شده، به اردوی پرولتاریا خواهند پیوست.

- این مطالبه (بیرون راندن بوروکراسی...)، مبنایی نادرست («ناقص تعریف شده») برای زایل کردن حق ده ها میلیون نفر- از جمله کارگران ماهر- ایجاد می کند.

- این مطالبه در تناقض با آن بخش از تیز قرار می گیرد که می گوید «دموکراتیزه کردن شوراها بدون قانونی کردن احزاب شوروی ناممکن است. کارگران و دهقانان خود بنا به رأی آژادشان تعیین می کنند که چه حزبی را به عنوان احزاب شورایی به رسمیت می شناسند».

- نویسندگی نامه ادامه می دهد که «در هر حال»، «به نظر نمی رسد هیچ گونه ی دلیل سیاسی معتبری برای زایل کردن حق کل گروه بندی های اجتماعی جامعه ی امروزی روسیه از پیش وجود ندارد. زایل کردن حقوق، باید مبتنی بر خشونت ورزی های گروه ها یا افراد علیه قدرت شورایی نوین باشد».

- در آخر، نویسندگی نامه خاطر نشان می کند که شعار «زایل کردن حق ویژه» برای نخستین بار پیش کشیده می شود، بحثی در مورد این مسأله صورت نگرفته است و بهتر خواهد بود که مسأله برای بررسی همه جانبه تا پس از کنفرانس بین المللی به تعویق بیافتد.

این ها دلایل و استدلال های مکاتبه کننده ی من است. متأسفانه به هیچ وجه نمی توانم با این موارد موافق باشم. این ها بیانگر یک رویکرد صوری، قضایی و قانونی محض نسبت به مسأله ای است که باید از زاویه ی انقلابی- سیاسی

نگریسته شود. مسأله به هیچ وجه این نیست که شوراهاى جدید چه کسى را به محض استقرار کامل از قدرت محروم خواهند کرد؛ ما مى توانیم به آرامی پیچیدگی های قانون اساسی جدید شوروی را به آینده بسپاریم. مسأله این است که چگونه از بوروکراسی شوروی خلاص شویم؛ بوروکراسی ای که کارگران و دهقانان را مورد تعدی و چپاول قرار می دهد، دستاوردهای اکتبر را به سوی ویرانی می کشاند، و مانع اصلی در مسیر انقلاب جهانی است. ما از مدت ها قبل به این نتیجه رسیده ایم که چنین چیزی تنها با سرنگونی بی رحمانه ی بوروکراسی، یعنی به وسیله ی یک انقلاب سیاسی نوین می تواند نائل شود.

البته در صفوف بوروکراسی عناصر انقلابی و صادقی از نوع «رایس» (Ignace Reiss) نیز هستند. اما تعداد این افراد زیاد نیست و در هر حال آن ها نیستند که سیمای سیاسی بوروکراسی ای را که در یک کاست ترمیدوری متمرکز و با باند بناپارتیست استالین به اوج رسیده، تعیین می کنند. اما برای نائل شدن به این مورد، باید نفرت توده ها از بوروکراسی به عنوان کاست حاکم را از لحاظ نظری بفهمیم و از لحاظ سیاسی بسیج و سازماندهی کنیم. شوراهاى واقعی کارگران و دهقانان تنها در مسیر خیزش علیه بوروکراسی می توانند ظاهر بشوند. چنین شوراهاى به سختی به مصاف مبارزه علیه سازوبرگ نظامی- پلیسی بوروکراسی خواهند رفت. پس چگونه می توان نمایندگانی را از همان اردوگاهی که خیرش علیه آن در جریان است، برای شوراها تأیید کنیم؟

ضوابط نادرست

مکاتبه کننده ی من- همان طور پیش تر گفته شد- تصور می کند که ضوابط برای بوروکراسی و آریستوکراسی، نادرست و «ناقص تعریف شده» هستند،

چرا که از پیش منجر به طرد ده ها میلیون نفر می شود. دقیقاً خطای مرکزی نویسنده ی نامه در همین جا نهفته است.

شوراها تنها در مسیر یک مبارزه ی قاطعانه می توانند برخیزند؛ با آن افشاری از زحمتگشان که به جنبش کشیده می شوند ساخته خواهند شد. اهمیت شوراها دقیقاً در این واقعیت است که ترکیب این شوراها نه با ضوابط صوری، بلکه با دینامیزم مبارزه ی طبقاتی تعیین می شود. لایه های مشخصی از «آریستوکراسی» شورایی، بین اردوگاه کارگران انقلابی و اردوگاه بوروکراسی در نوسان خواهند بود. این که آیا این لایه ها وارد شوراها می شوند یا خیر، و اگر بله، در کدام دوره، به توسعه ی عمومی مبارزه و به رویکردی که گروه های مختلف آریستوکراسی شوروی در این مبارزه اتخاذ می کنند بستگی دارد. آن عناصر بوروکراسی و آریستوکراسی که در مسیر انقلاب به جبهه ی شورشیان می پیوندند، قطعاً جایی برای خود در شوراها خواهند یافت. اما این بار، نه به عنوان بوروکرات ها و «آریستوکرات»ها، بلکه به عنوان شرکت کنندگان در شورش علیه بوروکراسی.

مطالبه ی بیرون راندن بوروکراسی را به هیچ وجه نمی توان در تقابل با مطالبه ی قانونی کردن احزاب شوروی قرار داد. در واقع این شعارها یک دیگر را تکمیل می کنند. در حال حاضر، شوراها یک زائده ی تزئینی به بوروکراسی هستند. تنها بیرون راندن بوروکراسی، که بدون یک خیزش انقلابی غیرقابل تصور است، می تواند مبارزه ی گرایش ها و احزاب مختلف در درون شوراها را احیا کند. تز مذکور می گوید: «کارگران و دهقانان خود بنا به رأی آزادشان تعیین خواهند کرد که کدام احزاب، احزاب شورایی هستند».

اما دقیقاً به همین خاطر در وهله ی نخست باید بوروکراسی را از شوراها تبعید کرد.

به علاوه این گفته ناوارد است که شعار مذکور چیز جدیدی را در صفوف انترناسیونال چهارم بیان می کند. احتمالاً فرموله کردن آن جدید است و نه محتوای آن. مدت هاست که ما مدافع رفورم رژیم شوروی بوده ایم. ما امیدوار بودیم که با سازماندهی فشار عناصر پیشرو، اپوزیسیون چپ بتواند با یاری عناصر مترقی خود بوروکراسی، نظام شورایی را اصلاح کند. از این مرحله نمی شد جهش کرد. اما سیر بعدی رویدادها با ضرباهنگ های مختلف، این چشم انداز دگرگونی مسالمت آمیز حزب و شوراها را رد کرد. ما از موضع رفورم به موضع انقلاب، یعنی سرنگونی بی رحمانه ی بوروکراسی رسیدیم. اما بوروکراسی چگونه می تواند سرنگون شود و همزمان جایگاهی قانونی به ارگان های خیزش بدهد؟ اگر از ابتدا تا انتها درباره ی وظایف انقلابی پیشروی کارگران و دهقانان شورا تأمل کنیم، می بینیم شعاری که در ابتدای همین مقاله آمده، باید صحیح، عاجل و قابل فهم شناخته شود، به همین خاطر است که به باور من کنفرانس بین المللی باید این شعار را تصویب کند.

لئون تروتسکی
۴ ژوئیه ۱۹۳۸

منبع: نشریه میلیتانت شماره ۷۷

ترجمه: آرام نوبخت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳